

بررسی سطح «تبیین» در گفتمان سیاسی منعکس در اشعار عبید زاکانی بر اساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی رومن فرکلاف

حمید احراری پور^۱

محبوبه ضیاء خدادادیان^۲

فرزاد عباسی^۳

چکیده

شمار بسیاری از آثار ادبی فارسی، با مفاهیم اجتماعی پیوند خورده است و صاحبان این آثار، دغدغه‌های مردمی و توجه به «دیگری» را در سطوح و ژرف ساخت و بازنمایی کرده‌اند. عبید زاکانی در اشعار خود از ابزارهای ادبی برای پرداختن به مسائل اجتماعی و سیاسی استفاده کرده و گفتمان «قدرت» را به چالش کشیده است. خوانش این اشعار بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی رومن فرکلاف، در سطح تبیین، نشان می‌دهد که نظام ارتباطی شخصیت‌ها در اشعار عبید بر اساس سلسله‌مراتب قدرت شکل گرفته است و شکاف آشکاری میان دو سویه ارتباط (کنش گر، ستم‌پذیر) دیده می‌شود. این تحقیق با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و هدف و مسأله اصلی پاسخ‌گویی به این پرسش است که در خوانش اشعار عبید زاکانی بر اساس مبانی نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، چه برداشتی از کیفیت مناسبات قدرت در لایه «تبیین» به دست می‌آید؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که گفتمان سیاسی اشعار عبید در سطح تبیین، بر اساس نوعی تقابل و رویارویی شکل گرفته است. در یک سوی این گفتمان، شیخ ابواسحاق به عنوان مصداق شاه آرمانی و مردم‌گرا قرار دارد و در سوی دیگر، امیر مبارزالدین به عنوان نماد ظلم، ریاکاری و مردم‌آزاری دیده می‌شود. همچنین، شاعر به بافت اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه وقت اشاره کرده و پیوند میان ایدئولوژی‌های مذهبی و عرفانی با مسائل سیاسی را آسیب‌زا دانسته است.

واژگان کلیدی

عبید زاکانی، تحلیل گفتمان انتقادی، رومن فرکلاف، سطح تبیین، گفتمان سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

Email: amircjc1996@gmail.com

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: 6439913018@iau.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

Email: f.abbasi312@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۱/۱۹

طرح مسأله

گفتمان (Discourse) در هر اثر ادبی وجود دارد و بازنماینده اندیشه‌های خالق اثر است. «گفتمان واحد زبانی بزرگ‌تر از جمله یعنی متن است که به مکالمه، مصاحبه و متن نوشتاری می‌پردازد. گفتمان، زبان را و زبان، گفتمان را می‌سازد و با یکدیگر رابطه دوسویه دارند و هر دو تحت تأثیر عوامل قدرت و نهادهای اجتماعی قرار می‌گیرند. تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) به این موضوع می‌پردازد که چگونه جمله‌ها در زبان گفتاری و نوشتاری سبب خلق واحدهای معنادار بزرگ‌تری همچون مصاحبه، مکالمه و یا انواع متون نوشتاری و یا گفتاری می‌شود». (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۰۸) تحلیل گفتمان باعث شناخت بهتر گفتمان‌های متنوع در یک متن ادبی یا غیرادبی می‌شود. با استفاده از این رویکرد می‌توانیم فهم خود را نسبت به منظومه فکری شاعر یا نویسنده افزایش دهیم و همچنین، امکان تشریح و تبیین موضوعات اجتماعی که متن با تأثیرپذیری از آن آفریده شده است، فراهم می‌شود. اگر ما بپذیریم که ادبیات به عنوان یکی از شاخه‌های مهم فرهنگ و تمدن در هر جامعه‌ای، بر آیند اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی است، بررسی و واکاوی این برآیند فرهنگی ارزشمند، باعث بازنمایی هرچه بهتر فضای سیاسی و اجتماعی یک جامعه می‌شود. این مؤلفه بر جنبه‌های کاربردی ادبیات می‌افزاید و بر نقش اثرگذار آن در زندگی بشری و رشد و تعالی آن تأکید می‌کند.

در گستره ادبیات فارسی به دلیل شرایط نامطلوب سیاسی همواره با شاعران و نویسندگانی روبه‌رو بوده‌ایم که برای تأمین معاش و رسیدن به رفاه نسبی هنر و قلم خود را فروخته‌اند و صرفاً در راستای تحقق اهداف شخصی خویش گام برداشته‌اند. برای این افراد، مردم اهمیتی ندارند و صرفاً خواسته‌های شخصی در اولویت قرار دارد. آنها عقد اخوتی با دربار بسته‌اند و خود را وقف تبلیغ برای شاهان ستم‌پیشه کرده‌اند. در برابر، گروهی از شاعران و نویسندگانی متعهد وجود دارند که شعر می‌سرایند و مطالبی را بازگو می‌کنند تا شعور و درک اجتماعی و سیاسی افراد را ارتقا دهند و مایه رشد و تعالی سطح فرهنگی لایه‌های گوناگون جامعه شوند. این ادیبان سعی می‌کنند پلشتی‌ها را در قالب شعر

و نشر شرح دهند تا مخاطب، دوست و دشمن را دریابد و بتواند رویکرد بهتری نسبت به شخصیت‌ها و گروه‌ها داشته باشد.

در گستره ادبیات فارسی، عبید زاکانی در شمار شاعرانی قرار دارد که در طول دوران زندگی هنری و ادبی خود، کوشیده است به خلق اشعاری پردازد که تا حدی با جامعه و دغدغه‌های گروهی پیوند خورده باشد. او کیفیت هنری خود را در مواردی برای بازنمایی و تشریح دغدغه‌های خرد و کلان مردم مورد نظر قرار داده است. بسیاری از اشعاری که این شخصیت ادبی سروده است، روایتگر بخشی از تجربیات مردمی هستند که هر روز با آنها در ارتباط بوده است. تحلیل اشعار عبید زاکانی بر پایه نظریه گفتمان انتقادی، باعث آشکار شدن جنبه‌های پنهان هنر شاعری او و جنبه‌های سیاسی و اجتماعی سروده‌ها می‌شود و بر ویژگی‌های مردمی قلم او (به صورت نسبی) صحنه می‌گذارد. برجسته بودن سه مؤلفه قدرت، ایدئولوژی و تاریخ در اشعار عبید، این امکان را فراهم می‌آورد تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های تحلیل گفتمان انتقادی، داشته‌های فکری شاعر به عنوان نواندیش جامعه سنتی ایرانی در بازه زمانی مشخص، بررسی و بازخوانی شود. بنابراین، تحقیق حاضر، کوششی است برای پرداختن به وجوهی از رویکردهای فرا شخصی عبید در برابر قدرت، نهادهای اجتماعی و ایدئولوژی.

روش تحقیق

این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است. جامعه آماری تحقیق، کلیات عبید زاکانی و حجم نمونه تحقیق، آن بخش از اشعار است که دربر دارنده رویکردها و نقدهای سیاسی شاعر است. برای ارائه تحلیل دقیق‌تر و منسجم‌تر از آراء عبید از مبانی نظریه تحلیل گفتمان انتقادی رومن فرکلاف استفاده شده است. ساختار کلی تحقیق به این صورت است که ابتدا چهارچوب‌های کلی این نظریه به ویژه سطح تبیین بازنمایی می‌شود و سپس، در بخش اصلی مقاله، شواهد و نمونه‌ها از اشعار عبید ذکر شده و کیفیت سیاست و حاکمیت در شعر عبید بررسی و کاویده می‌شود.

پیشینه تحقیق

تاکنون در هیچ پژوهشی گفتمان سیاسی در اشعار عید زاکانی با عنایت به سطح «تبیین» در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی نشده است. از این رو، تحقیق حاضر برای نخستین بار به این وجه از سروده عید می‌پردازد و ظرفیت‌های زبان‌شناسانه اشعار او را می‌کاود تا مهارت شاعر در بازنمایی نقدهای اجتماعی و سیاسی بررسی و تحلیل شود. با این حال، در چند تحقیق، سوبیه‌های سیاسی شاعر بازنمایی شده است. حکیم‌آذر (۱۳۹۴) در مقاله «تأملی در محتوای اجتماعی طنز عید» به این نتیجه رسیده است که طنز شاعر از نظر اشارات اجتماعی و نکات تاریخی یکی از منابع ممتاز شناخت جامعه، ذوق و فرهنگ ایرانی در قرن هشتم است. در طنزهای عید زاکانی به ظریف‌ترین مسائل فردی و جمعی در بستری از نگرش فلسفی و سیاسی پرداخته شده است. نکته قابل تأمل در طنز عید این است که غالباً لطایف او زیرساختی پارادوکسی دارند و عید از طریق ایجاد فضایی متناقض‌گونه، خواننده را به خنده و تفکر وامی‌دارد. همچنین، نظری‌منظم و آذرنیا (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی طنز در آثار جاحظ و عید زاکانی» به این نتیجه رسیده‌اند که طنز عید اجتماعی و گاه سیاسی است و هدف او اصلاح و تربیت، و نیز بازنمایی تناقضات جامعه می‌باشد. اللهیاری، جلیلی و رضازاده زوارم (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بازتاب ریاکاری و تزویر در کلیات عید زاکانی پرداخته‌اند. از دید نویسنده‌ها، شاعر در سروده‌های خود قصد دارد ضمن برملا کردن چهره حقیقی سیاست‌مداران و صاحبان قدرت مرایی، مخاطبان عام و خاص خود را از ترفندهای گفتاری و رفتاری این جماعت مطلع کند تا در نهایت، مردم با کنار زدن آنها، زمینه‌های لازم را جهت ایجاد جامعه‌ای مطلوب و آرمانی فراهم کنند.

چهارچوب‌های تحلیل گفتمان انتقادی و بازنمایی آراء رومن فرکلاف

درباره اصطلاح تحلیل گفتمان انتقادی تعاریف گوناگونی ارائه شده است و نظر واحدی درباره آن وجود ندارد. این دیدگاه‌ها در مواردی با یکدیگر دارای اختلاف هستند و هر کدام از نگرش خود، به تشریح زوایای پیدا و پنهان آن پرداخته‌اند. این مقوله چندان قدمتی در عرصه پژوهش‌های ادبی ندارد و زمان پیدایی و روایی آن به دهه هشتم میلادی بازمی‌گردد. تحلیل گفتمان انتقادی در اواخر دهه ۱۹۷۹ میلادی به همت گروهی از

زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش‌گرای هیلیدی در دانشگاه ایست آنجلیا (East Anglia) پی‌ریزی شد. آنها گرد هم آمدند و در مطالعات خود درباره کارکرد زبان، رویکرد زبان‌شناسی انتقادی را برگزیدند و در کتاب معروف خود، زبان و کنترل (Language and control) (۱۹۷۹م) این اصطلاح را انتخاب کردند. هدف اصلی آنها از وضع این اصطلاح، آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرآیندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی بوده است. (آفاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۳۹)

تحلیل گفتمان انتقادی، شاخه علمی بینارشته‌ای در زبان‌شناسی به شمار می‌رود که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در این رابطه، «تحلیل گفتمان انتقادی، زبان را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن، اعم از گفتاری و نوشتاری مطالعه می‌کند». (آفاگل زاده، ۱۳۹۰: ۱۱) تحلیل گفتمان انتقادی، نظریه‌ها و روش‌هایی برای مطالعه تجربی روابط میان گفتمان و تحولات اجتماعی و فرهنگی قلمروهای مختلف اجتماعی در اختیارمان قرار می‌دهد. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

یکی از شاخص‌ترین صاحب‌نظران در ارتباط با نظریه تحلیل گفتمان انتقادی گفتمان، رومن فرکلاف نام دارد و از دید او، تحلیل گفتمان انتقادی به نحوی نظام‌مند به تحقیق درباره روابط غالباً مبهم علیت و تعیین‌کنندگی میان «کنش‌های گفتمانی، رخدادهای و متون» و «ساختارها و روابط و فرآیندهای گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی» (Fairclough, 2002: 79-80) می‌پردازد. الگوی گفتمانی فرکلاف دارای سه سطح مشخص است: توصیف، تفسیر و تبیین. سطح توصیف مرحله‌ای است که «با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد». (آفاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۷) در این لایه به مؤلفه‌هایی مانند: توجه به نظام نوبت‌گیری، رعایت ادب، انتخاب کلمات و مناسبات معنایی آنها، روح گروهی، عبارت‌بندی‌های افراطی و دگرسان، گونه ادبیات استفاده‌شده و دستور زبان پرداخته می‌شود. سطح تفسیر مرحله‌ای است که شامل فرآیندهای گفتمان و تفسیر متن می‌شود. تفسیر ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای استفاده‌شده از جانب تفسیرگر در تفسیر متن است. (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۱۲۷) در این

سطح، چهار عنوان مورد نظر قرار می‌گیرد: «ظاهر کلام یعنی مجموعه‌ای از آوا یا نشانه‌های موجود بر روی کاغذ که به کلمات، عبارات و جملات معین تبدیل می‌شود؛ معنای کلام یعنی دادن معنا به اجزای تشکیل دهنده متن؛ انسجام موضوعی یعنی برقراری ارتباط معنایی بین گفته‌ها تا در صورت امکان، تفسیری منسجم از رشته کلام به دست آید؛ و ساختار و جان‌مایه متن که مبین چگونگی پیوند اجزاء به یکدیگر و نحوه انسجام فراگیر متن است.» (پاینده، ۱۳۸۲: ۵۹) سطح تبیین مرحله‌ای است که «به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد. اینکه چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند.» (آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۸) تبیین به اثربخشی‌های بازتولیدی گفتمان‌ها بر حفظ یا دگرگونی ساختارها می‌پردازد. (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۲۱۲)

بررسی لایه «تبیین» در گفتمان سیاسی عبید زاکانی

امیر مبارزالدین یکی از حاکمان شیراز است که در دوران زمامداری خود با تکیه بر موازین دینی و مذهبی، نارضایتی‌های بسیاری را در جامعه به وجود آورده بود. عبید زاکانی در منظومه موش و گربه به این سال‌های سرشار از ریا و تزویر اشاره می‌کند و چهارچوب‌های حاکمیت امیر مبارزالدین را نقد می‌کند. او در قسمت آغازین منظومه موش و گربه بیان می‌دارد که گربه اهل کرمان است. «با اشاره به کرمانی بودن گربه عابد ... که با ریاکاری و تظاهر به دین‌داری، موش‌ها را فریفت و بر آنان چیره شد، می‌توان یقین کرد که گربه موصوف او جز امیر مبارزالدین نیست. جالب اینجاست که تکیه کلام امیر مبارزالدین برای تحقیر دیگران، گربه بوده است.» (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۵۶) شاعر در بیت‌های ذیل به مخاطبان خود می‌گوید که این فرد یعنی امیر مبارزالدین (گربه) شخصیتی اژدهاگون است و ویژگی‌های جسمانی او شبیه به شیر و پلنگ است و خوی وحشی‌گری دارد. این تصویرسازی کاملاً آگاهانه صورت می‌پذیرد تا عدم انعطاف‌پذیری این شخصیت را در دوران زمامداری‌اش نشان دهد. او در تاریخ شیراز به عنوان شاهی سختگیر و بدون حس ترحم نسبت به گناهکاران شناخته می‌شود.

ای خردمند عاقل و دانا	قصه موش و گربه بر خوانا
قصه موش و گربه منظوم	گوش کن همچو در غلتانا

از قضای فلک یکی گربه	بود چون اژدها به کرمانا
شکمش طبل و سینه‌اش چو سپر	شیردم و پلنگ چنگاننا
از غریوش به وقت غریدن	شیر درنده شد هراسانا
سر هر سفره چون نهادی پای	شیر از وی شدی گریزانا

(عبید، ۱۳۴۲: ۳۳۰)

امیر مبارزالدین اگرچه در دوران جوانی اهل باده‌نوشی و خوش‌گذرانی بوده است، ولی در دوران کشورداری برای جلب رضایت زاهدان مرائی و فقیهان و واعظان ظاهربین، رویکرد خود را به طور کامل عوض کرد و در ظاهر خود را در حوزه دین و مذهب، دغدغه‌مند نشان داد. امیر با این اقدامات جامعه آن زمان شیراز را به دو دسته تقسیم کرده بود: نخست گروهی که او را حمایت می‌کردند و البته، عضو گروه‌ها و نهادهای دینی و مذهبی بودند و دوم، گروهی از مردم عادی که به ریاکاری‌های این شخصیت پی برده بودند و اقدامات وی را باور نداشتند. عبید زاکانی در زمره گروه دوم قرار داشت. شاعر در این بیت‌ها به گوشه‌ای از ریاکاری‌های امیر با خلق شخصیت گربه اشاره کرده و کیفیت زمامداری و کنش‌های او را نکوهش کرده است.

روزی اندر شراب‌خانه شدی	از برای شکار موشاننا
در پس خم می‌نمود کمین	همچو دزدی که در بیاباننا
ناگهان موشکی ز دیواری	جست بر خم می‌خروشاننا
سر به خم بر نهاد و می نوشید	مست شد همچو شیر غراننا ...
گربه این را شنید و دم نزدی	چنگ و دندان زدی به سوهاننا
ناگهان جست و موش را بگرفت	چون پلنگی شکار کوهاننا

(همان: ۳۳۰)

عبید شرح می‌دهد که هرگاه گربه (امیر مبارزالدین) یکی از موش‌ها (افراد ستم‌دیده و مظلوم) را می‌گشود، روی به مسجد می‌آورد و از درگاه خداوند پوزش می‌طلبد. توبه‌های او تصنعی هستند و از روی باور و عقیده به درگاه حق تعالی رجوع نکرده است. عبید اشاره می‌دارد که این فرد هر گناهی که صلاح بداند انجام می‌دهد و در نهایت، سعی می‌کند با نذر و صدقه این مشکل را حل کند. این توصیف نشان می‌دهد که گربه (امیر مبارزالدین) تا چه اندازه سطحی‌نگر بوده و دین را ملعبه دست خود قرار داده است.

سوی مسجد شدی خرامانا	گربه آن موش بکشت و بخورد
ورد می خواند همچو ملانا	دست و رو را بشت و مسح کشید
ندرم موش را به دندانا	بار الها توبه کردم من
من تصدق دهم دو من نانا	بهر این خون ناحق ای خلاق
تا به حدی که گشت گریانا	آنقدر لابه کرد و زاری کردی
زود برد این خبر به موشانا	موشکی بود در پس منبر
زاهد و عابد و مسلمانا	مژدگانی که گربه تائب شد
در نماز و نیاز و افغانا	بود در مسجد آن ستوده خصال

(همان: ۳۳۰)

عبید شاعری مردمی و جامعه‌نگر است. به این معنا که سعی می‌کند جامعه را بر اساس ضعف‌هایی که دارد، واکاوی کند و دیدگاه‌های خود را شرح دهد. «جامعه فاسد آن زمان، عبید را وادار به عیب‌جویی و انتقاد می‌کند. جامعه‌ای که آکنده است از تضاد بین آنچه هست و آنچه باید باشد». (نظری‌منظم و آذرنیا، ۱۳۹۵: ۲۴۷) در شعر ذیل، عبید از زبان گربه (امیر مبارزالدین) بیان می‌دارد که او مدتی را برای خداوند عبادت کرده و حالا حق تعالی برای او غذا و خوراک (موش) فرستاده است. در نتیجه، بر خود روا می‌دارد که این موش‌ها را بدرد. بی‌ارزش بودن جان دیگران برای این گربه برآمده از ایدئولوژی خطرناکی است که عبید زاکانی به خوبی آن را تشریح کرده است. در واقع، این گربه کنش‌های خود را در امر کشورداری بر اساس این باورهای مستبدانه و تک‌بعدی‌نگر شکل و سمت می‌دهد.

من گرسنه بسی به سر بردم	رزقم امروز شد فراوانا
روژه بودم به روزهای دگر	از برای رضای رحمانا
هر که کار خدا کند به یقین	روزی‌اش می‌شود فراوانا
بعد از آن گفت پیش فرمایید	قدمی چند ای رفیقانا
موشکان جمله پیش می‌رفتند	تنشان همچو بید لرزانا
ناگهان گربه جست بر موشان	چون مبارز به روز میدانا
پنج موش گزیده را بگرفت	هر یکی کدخدا و ایلخانا ...
آن دو موش دگر که جان بردند	زود بردند خبر به موشانا
که چه بنشسته‌اید ای موشان	خاکتان بر سر ای جوانانا

گر به با چنگ‌ها و دندانا	پنج موش رییس را بدرید
شد لباس همه سیاهانا	موشکان را از این مصیبت و غم
ای دریغنا رییس موشانا	خاک بر سر کنان همی گفتند
می‌رویم پای تخت سلطانا	بعد از آن متفق شدند که ما
از ستم‌های خیل گربانا	تا به شه عرض حال خویش کنیم

(عبید، ۱۳۴۲: ۳۳۱-۳۳۱)

عبید در بخشی از داستان موش و گربه به شاه موشان اشاره می‌کند که شخصیتی مردمی و موافق عدالت‌پروری دارد. او با اینکه بر تختی نشسته و قدرتی بی‌مانند دارد، ولی از قدرت خود برای احقاق حقوق ستمدیده‌ها استفاده می‌کند. بر این اساس، این موش زمانی که دادخواهی موش‌های دیگر را می‌شنود و از ستم گربه در حق دیگر هم‌نوعان خود آگاه می‌شود، سپاهی گران برمی‌گزیند تا با گربه ظالم مشغول مبارزه شود و حق را به حقدار برساند. او در این زمینه احساس مسئولیت می‌کند و با اینکه گربه به هیچ روی به مواضع و منافع او ضربه‌ای وارد نیاورده است، با این حال، سعی می‌کند اقدامی عملی و بهنگام انجام دهد تا عدالت برقرار گردد. عبید سعی می‌کند در بیت‌های ذیل، کیفیت رفتار سیاسی دو شاه را نشان دهد و به مخاطبان خود بگوید که گربه (امیر مبارزالدین) و شاه موشان (شاه ابواسحاق) چه نگاهی به مردم و برپایی دادگری در جامعه دارند. این تمثیل‌ها بر گستره درک و شعور سیاسی و اجتماعی شنونده‌ها می‌افزاید.

دید از دور خیل موشانا	شاه موشان نشسته بود به تخت
کای تو شاهنشهی به دورانا	همه یکباره کردندش تعظیم
ای شهنشه اولم به قربانا	گربه کرده است ظلم بر ماها
حال حرصش شده فراوانا	سالی یک دانه می‌گرفت از ما
چون شده تائب و مسلمانا	این زمان پنج پنج می‌گیرد
شاه فرمود کای عزیزانا	درد دل چون به شاه خود گفتند
که شود داستان به دورانا	من تلافی به گربه خواهم کرد
سیصد و سی هزار موشانا	بعد یک هفته لشگری آراست
همه با سیف‌های برآنا	همه با نیزه‌ها و تیر و کمان

(همان: ۳۳۱)

عبید به شخصیت بی ثبات و عاری از ادب امیر مبارزالدین اشاره می‌کند. از دید او، این گربه از سویی خود را ظاهرالصلاح می‌شمارد و در مسجد حاضر می‌شود و از سوی دیگر، دشنام‌هایی را بر زبان می‌آورد که مطلوب نیست. این شاه اهل گفتمان نیست و سعی می‌کند هر مشکلی را با خشونت و دشنام حل و فصل کند. چنین فردی به ریاکاری شهره است. «شیوع رفتارهای ریاکارانه در جامعه ریشه‌های فرهنگی دارد. علت گسترش این ویژگی ناشایست که در تمامی جوامع نیز وجود دارد، ساختارهای حاکم بر جوامع بشری است که ارزش‌هایی را اصلی قلمداد کرده و همه آدم‌ها را با یک معیار ثابت و بدون در نظر گرفتن ارزش‌های دیگر آنها مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، کسانی که به معیارهای این قیاس اعتقاد ندارند نیز، برای پیشبرد اهدافشان ناچار به ریاکاری می‌شوند.» (مقدم، ۱۳۹۶: ۲۱۷) در شعر ذیل هم، این ریاکاری در حوزه رفتار دیده می‌شود. گربه همه راه‌های مسالمت‌آمیز را نادیده می‌گیرد و با خشونت فراگیر برخورد می‌کند. در بیت‌های ذیل، گربه ایلچی شاه موشان را می‌درد و او را می‌کشد. این در حالی است که موش برای تسلیم پیام صلح نزد او آمده بود.

موشکی بود ایلچی ز قدیم	شد روانه به شهر کرمانا
نرم نرمک به گربه حالی کرد	که منم ایلچی ز شاهانا
خبر آورده‌ام برای شما	عزم جنگ کرده شاه موشانا
یا برو پای تخت در خدمت	یا که آماده باش جنگانا
گربه گفتا که شاه گه خورده	من نیایم برون ز کرمانا
لیکن اندر خفا تدارک کرد	لشکر معظمی ز گربانا
گربه‌های براق شیر شکار	از صفاهان و یزد و کرمانا
لشکر گربه چون مهیا شد	داد فرمان به سوی میدانا

(عبید، ۱۳۴۲: ۳۳۲)

عبید در شعر اول، به سروده شدن منظومه موش و گربه اشاره کرده و در پایان این اثر به مخاطبان اعلام می‌دارد که موش و گربه در واقع، همان انسان‌هایی هستند که در زمان وی حضور داشته‌اند. بنابراین، گربه‌ای که ریاکارانه به حکومت خود ادامه می‌دهد و موش‌ها را از دم تیغ می‌گذراند و کارهایی در ظاهر دین‌مدارانه انجام می‌دهد، همان امیر

مبارزالدین است. او در حقیقت، هدفی جز کسب قدرت و ثروت ندارد. در شعرهای دوم و سوم، شاعر به فقر و تنگدستی جامعه اشاره می‌کند که جان‌ها را آزرده و وجود آنها را مکدر ساخته است. نبود رفاه و کمبود مواد غذایی از دستاوردهای دوران کشورداری حاکمانی نالایق چون امیر مبارزالدین است که در این شعر بازنمایی شده است. در شعر چهارم، عبید با زبانی طنزآمیز بیان می‌کند که به واسطه فقر و نداری، به خوردن وسایل آشپزخانه و ابزارهایی که در آن است، روی آورده و شرایط خوبی ندارد. اگرچه نوعی بزرگ‌نمایی در شعر دیده می‌شود، ولی هدف شاعر این است که وضعیت نامساعد حیات مردم را در زمان زمامداری شاه وقت نشان دهد و به صورت غیرمستقیم عدم لیاقت او را بازنمایی کند.

یادگار عبید زاکانا	هست این قصه عجیب و غریب
که شوی در زمانه شادانا	جان من پند گیر از این قصه
مدعا فهم کن پسر جانا	غرض از موش و گربه برخواندن

(همان: ۳۳۴)

در خیمه ما نه خواب یابی و نه خورد	از شدت تنگدستی و محنت برد
نه چرب و نه شیرین و نه گرم است و نه سرد	در تابه و صحن و کاسه و کوزه ما

(همان: ۱۳۹)

جز تُنگی و پاره‌ای نمد چیزی نیست	در خانه ما ز نیک و بد چیزی نیست
وز هرچه خورند جز لگد چیزی نیست	از هرچه پزند نیست غیر از سودا

(همان: ۲۰۹)

عبید به راحتی و امنیتی که در شهر شیراز وجود دارد، اشاره می‌کند. او به صورت غیرمستقیم به کیفیت زمامداری شاه شجاع اشاره کرده و او را ستوده است. در واقع، او این شهر را محل امنی برای زیستن می‌داند و با اینکه در دوره‌ای از تاریخ ایران زندگی می‌کند که سرشار از آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی است، اما شیراز گویی در آرامش است و مردم شرایط بهتری نسبت به جاهای دیگر دارند. شاعر قصد دارد از این طریق بیان کند که شاه توانسته است برای مردم کارهای مطلوبی انجام دهد. به واسطه همین شرایط نسبتاً مطلوب

است که او خارج شدن از شیراز را به هیچ روی مطلوب نمی‌شمارد و از آن با عنوان تصمیمی تلخ یاد می‌کند.

رفتیم از خطه شیراز و به جان در خطریم
می‌روم دست‌زنان بر سر و پای اندر گل
گاه چون بلبل شوریده در آیم به فروش
من از این شهر اگر بر شکم در شکم
بی‌خود و بی‌دل و بی‌یار برون از شیراز
قوت دست ندارم چو عنان می‌گیرم
اینچنین زار که امروز منم در غم عشق
ای عبید این سفری نیست که من می‌خواهم

وه کزین رفتن ناچار چه خونین جگرم
زین سفر تا چه شود حال و چه آید به سرم
گاه چون غنچه دلتنگ گریبان بدرم
من از این کوی اگر برگذرم درگذرم
می‌روم وز سر حسرت به قفا می‌نگرم
خبر از پای ندارم که زمین می‌سپرم
قول ناصح نکند چاره و پند پدرم
می‌کشد دهر به زنجیر قضا و قدرم

(همان: ۸۹)

عبید در دوره‌ای از تاریخ زندگی می‌کرد که امیر مبارزالدین و شاه شجاع با هم از لحاظ سیاسی، در حال رقابت بودند. عبید که در جبهه شاه شجاع حضور داشت، سعی می‌کرد مواضع رقیب را نقد و رد کند و گفتمان موافق را رواج دهد. «عبید تیزبین‌ترین جامعه‌شناس زمانه خویش است؛ چون بهتر از هر کسی وضع نامطلوب اخلاقی و اجتماعی این عهد را مجسم ساخته است». (صفاء، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۳۳) از این‌رو در شعر ذیل به ستایش و مدح شاه شجاع می‌پردازد و از عدالت و سعادت و قدرت و سرخوشی که در این دوره رشد پیدا کرده است سخن می‌گوید. در واقع، او این پیام را به مخاطبان خود می‌دهد که شاه شجاع بر حق است و طرف مقابل او یعنی امیر مبارزالدین از حقانیت و مشروعیت برخوردار نیست.

سلطان تاج‌بخش جهاندار امیر شیخ
شاهی چو کیقباد و چو افراسیاب گرد
پشتی دین به قوت تدبیر پیر کرد
در عیش ساز و عادت خسرو بنا نهاد
ایوان و قصر و جنت و فردوس بر فراشت
هر بنده‌ای که بر در او جایگاه یافت
بنگر که روزگار چه بازی پدید کرد
جوشی بزد محیط بلایی به ناگهان

کآوازه سعادت جودش جهان گرفت
کشور چو شاه سنجر و شاه اردوان گرفت
روی زمین به بازوی بخت جوان گرفت
در رسم و عدل شیوه نوشیروان گرفت
در وی نشست شاد و قدح شادمان گرفت
خود را امیر خسرو صاحبقران گرفت
نکت چگونه دولت او را عنان گرفت
ملک و خزانه و پسرش در میان گرفت

یا دود ناله‌ای که در آن دودمان گرفت
 خلد برین ز رونق آن بوستان گرفت
 زاغ سیه‌دل آمد و در او مکان گرفت
 سگ‌بچه کرد در وی و جغد آشیان گرفت
 (عبید، ۱۳۴۲: ۹۸)

یا سوز و گریه‌ای که بهم برزد آن بنا
 کان بوستان‌سرای که آیین و رنگ و بوی
 اکنون بدان رسید که بر جای عندلیب
 قصری که برد فرخی از فر او همای

نتیجه‌گیری

بررسی اشعار عبید زاکانی بر اساس مبانی نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (با رویکرد به سطح تبیین) نشان داد که گفتمان سیاسی در اشعار عبید زاکانی بر اساس نوعی تقابل و رویارویی شکل گرفته است. در یک سوی این گفتمان، شیخ ابواسحاق قرار دارد که نمونه‌ای از شاه آرمانی و مردم‌گرا به حساب می‌آید. در سوی دیگر، امیر مبارزالدین دیده می‌شود که نمود ظلم، ریاکاری و مردم‌آزاری محسوب می‌شود. عبید سعی می‌کند همه شاخصه‌های مطلوب کشورداری را به دوران زمامداری ابواسحاق نسبت دهد و در برابر، از دوران حکومت امیر مبارزالدین به عنوان سال‌هایی بحرانی و سیاه یاد کند. شاعر به بافت اجتماعی و فرهنگی حاضر در جامعه وقت اشاره کرده و پیوند میان ایدئولوژی مذهبی و عرفانی با مسائل سیاسی را آسیب‌زا دانسته و اعلام کرده است که نهادهای قدرت از سوی کسانی اداره می‌شود که به صفات رذیله ریاکاری متخلق شده‌اند و هدفی جز کسب منافع شخصی خود ندارند. به عبارت دیگر، گفتمان قدرت حاکم سعی کرده است با سوءاستفاده از ظرفیت‌های نهادهای دینی و عرفانی، بر مردم مسلط شود. در زمان زمامداری امیر مبارزالدین، نوعی همکاری و ائتلاف میان دو گروه دارای قدرت و نفوذ در بافت اجتماعی یعنی صاحبان قدرت سیاسی و دینی شکل گرفته و در نهایت، فساد و تباهی را در جامعه گسترش داده و بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به واسطه وجود حاکمیت فاسد رو به ابتذال گذاشته است. عبید به مخاطبان خود اعلام می‌دارد که در این دوران، نوعی دگردیسی در اصول اخلاقی و انسانی روی داده و همه این پیامدها برآمده از کیفیت نامطلوب مناسبات قدرت و ایدئولوژی بوده است. عبید سعی می‌کند با برجسته کردن شاخصه‌های کشورداری در دوران شاه ابواسحاق از یک سو و منفی و تیره نشان دادن شیوه حکومت امیر مبارزالدین از سوی دیگر، نوعی تقابل را به وجود بیاورد تا امکان مقایسه برای مخاطب فراهم شود و او را به بازنگری در اندیشه‌های خود و تعمق در جریان‌های سیاسی موجود و تبیین کیفیت روابط قدرت در عرصه سیاست فعلی بازدارد. با عنایت به شرایط سیاسی بسته و خفقان‌آلود، عبید به سرایش داستان تمثیلی موش و گربه و خلق شخصیت‌های حیوانی روی می‌آورد تا دغدغه‌های سیاسی و نیز، نقدهای حاکمیتی خود را به صورت استعاره در اختیار شنونده قرار دهد. بر این پایه، فهرستی از محرومیت‌های جامعه موش‌ها مطرح گردیده و افزون بر این، ستم‌ها و ریاکاری‌های گربه بازنمایی می‌شود.

فهرست منابع

- ۱- آفاگل زاده، فردوس. (۱۳۹۰). تحلیل انتقادی گفتمان. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲- آفاگل زاده، فردوس و غیاثیان، مریم‌سادات. (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی». مجله زبان و زبان‌شناسی. دوره ۳. شماره ۵.
- ۳- اللهیاری، محمدرضا و جلیلی، رضا و رضازاده زوارم، محمدرضا. (۱۳۹۹). «انعکاس ریا و تزویر در کلیات عبید زاکانی». پژوهش‌نامه اورمزد. شماره ۵۱.
- ۴- پاینده، حسین. (۱۳۸۲). گفتمان نقد. تهران: روزگار.
- ۵- حکیم‌آذر، محمد. (۱۳۹۴). «تأملی در محتوای اجتماعی طنز عبید زاکانی». مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی. سال ۶. شماره ۲۲.
- ۶- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۱). «موش و گربه (سوابق و نمونه‌های داستان‌های موش و گربه در ادب فارسی)». مجله مطالعات ادب کودک. سال ۳. شماره ۱.
- ۷- عبید زاکانی، نظام‌الدین عبدالله. (۱۳۴۲). کلیات. به تصحیح عباس اقبال. شرح و تعبیر و ترجمه لغات و آیات و عبارات عربی از پرویز اتابکی. تهران: کتابفروشی زوار.
- ۸- فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۷). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۹- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران. ج ۳. تهران: فردوسی.
- ۱۰- مقدم، صدیقه. (۱۳۹۶). «شیوع رفتارهای ریاکارانه ریشه‌های فرهنگی دارد». خبرگزاری شفقنا، منتشر شده در ۹ خرداد.
- ۱۱- نظری‌منظم، هادی و آذرینا، فرشته. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی طنز در آثار جاحظ و عبید زاکانی». مجله کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی کرمانشاه. سال ۵. شماره ۲۲.
- ۱۲- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

13- Fairclough, Norman. (2002). Critical Discourse Analysis and the Marketization of Public Discourse. In toolan. M (ed.) Critical Discourse Analysis. Vol 2. London: Routledge.